



دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده الهیات و معارف اسلامی (شهید مطهری)

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه

عنوان :

معنا و دلالت به نزد راسل و کواين

استاد راهنما:

دکتر علی حقی

استاد مشاور:

دکتر محمد کاظم علمی

نگارش:

امیر علی ترقی اوغاز

تاریخ دفاع:

زمستان ۱۳۹۰



تقدیم و سپاسگزاری

در نگارش این پایان نامه ، اساتید بزرگواری هر یک به شیوه‌ی خویش اینجانب را یاری رساندند و اگر دلسوزی‌های علمی و دقت نظر بی‌دریغ ایشان نبود ، آنچه در پی آن بودم هرگز جامه‌ی تحقق نمی‌پوشید: آقای دکتر علی حقی به عنوان استاد راهنما و آقای دکتر محمد کاظم علمی به عنوان استاد مشاور، در تمام مراحل نگارش این پایان نامه با انتقادات و پیشنهادات سودمند خود بر ارزش علمی این پژوهش افزودند و در این چند کلام به هیچ وجه نمی‌توان قدر زحمات ایشان را به جای آورد. انتخاب این موضوع به پیشنهاد استاد ارجمندم جناب آقای دکتر علی حقی انجام گرفت که از راهنمایی‌ها و حمایت‌های ایشان به خصوص در تهیه منابع فارسی و انگلیسی سپاس‌گزاری می‌نمایم.

در پایان من این پایان‌نامه را به همسرم تقدیم می‌کنم که همواره در این سالهای دشوار یاریگر من بوده و توان تحمل بار رنجها را در من افزایش داده و مرا با عشقی که خود به فلسفه داشته در این اعتقاد راسختر کرده است که تا ایراد و انتقاد و برخورد عقاید و آراء در میان نباشد، آدمی روی به‌روزی نخواهد دید.

چکیده

طبق تعریف، اولین و اساسی ترین پرسشی که یک نظریه سمانتیکی باید به آن پاسخ دهد، این است که عبارات موجود در زبان بر چه چیزی دلالت می کنند؟ یک نظریه سمانتیکی می بایست، محتوای سمانتیکی یک عبارت را، به طور دقیق مشخص سازد؟ و همچنین توضیح دهد، جمله های شامل آن عبارت، بیانگر چه چیزی هستند؟

در این پژوهش دو دیدگاه در باب سمانتیک عبارات مورد بررسی قرار می گیرد. در دیدگاه اول نظریه راسل در این مورد بررسی می شود که معتقد است اسم های خاص موجود در زبان طبیعی، محتوای توصیفی دارند، و میان اسامی متعارف و منطقی تمایز قایل می شود و نحوه ی دلالت آنها را متفاوت می داند. و در دیدگاه دوم نظریه کواین مورد بررسی قرار می گیرد که کواین معنای عبارت را با محرکی که باعث برانگیختن گفتار می شود و یا با پاسخهایی که به نوبه خود بر می انگیزد به دست می دهد کواین معتقد است که واژه ها و جملات، جدا از موقعیتی که در آن به کار می روند فاقد هرگونه معنای مشخصی هستند، به عقیده کواین بهترین روش برای تعیین معنای واژه یا جمله ای خاص مشاهده انواع کاربردهای آن است. کواین در نظریه معنای خود می خواهد نشان دهد که هویتی به نام معنا وجود ندارد و مسئله معنا را به معناداری و هم معنایی احاله می کند.

کلید واژه :

راسل - کواین - معنا - دلالت - توصیفات معین - عدم تعیین

فهرست مطالب

۶	مقدمه
۱۱	پیشینه پژوهش
۱۵	پرسشهای اساسی تحقیق
۱۵	ضرورت پژوهش
۱۷	روش انجام تحقیق
۱۷	ساختار پژوهش
۲۰	محدودیت های پژوهش

فصل اول

کلیات

۲۲	۱-۱- واژه شناسی
۲۶	۱-۲- سیر تاریخی مساله
۲۸	۱-۳- معنا و دلالت
۲۹	۱-۴- اسامی خاص
۳۳	۱-۵- نظریات مختلف درباره‌ی موضوع معنا و دلالت
۳۵	۱-۵-۱- انواع نظریه های معنایی
۳۶	۱-۵-۲- جان استوارت میل

۴۲ ۳-۵-۱- فرگه

۵۴ ۴-۵-۱- سمانتیک جهان های ممکن

۵۵ ۱-۵-۵-۱ اثبات گرایان منطقی

۵۷ ۶-۵-۱- ویتگنشتاین

فصل دوم

۶۲ راسل

۶۵ ۱-۲- توصیفات و تلقی مصداقی از آن

۶۷ ۲-۲- حل مشکلات

۷۵ ۳-۲- معنا و دلالت در نظریه توصیفات

۸۱ ۴-۲- مقاله راسل به عنوان در باب دلالت

۸۶ ۵-۲- معنا و دلالت در اسماء

۹۵ ۶-۲- استراوسون

۹۹ ۶-۲- نتیجه

فصل سوم

۱۰۳ کواین

۱۰۴ ۱-۳- معرفی کواین

۱۱۳ ۲-۳- نظریه معنا

- ۳-۳- عدم تعین ترجمه و معنا ۱۲۳
- ۳-۴- شکاکیت معنایی ۱۳۶
- ۳-۵- نظریه ارجاع ۱۳۸
- ۳-۶- درک ناپذیری مرجع ۱۳۸
- ۳-۷- کل گرای معنایی ۱۴۶
- ۳-۸- کواین و گزاره ۱۴۸
- ۳-۹- کواین و جزم تحلیلی و ترکیبی ۱۵۲
- ۳-۱۰- کواین و جزم فروکاست گرای ۱۵۶
- ۳-۱۱- رفتار گرای کواین و معنا ۱۵۸
- ۳-۱۲- جمله مشاهده ای ۱۶۰
- ۳-۱۳- نتیجه ۱۶۴
- منابع ۱۶۶

مقدمه

معنا^۱ و مسائل مربوط به آن نه تنها سنگ زیرین فلسفه زبان است، بلکه حوزه‌ای را تشکیل می‌دهد که در آن فلسفه به طور کلی هم از حیث وجود شناختی و هم معرفت شناختی سخن بسیار گفته است. در فلسفه زبان مسائل ناظر به معنا از تنوع خاصی برخوردار است.

به طور کلی برای معنا یک جنبه رو به عالم خارج و نیز جنبه ای ناظر به فهم و شناخت، یعنی رو به ذهن قائل شده‌اند، در فلسفه زبان از بررسی این دو جنبه‌ی معنا تحت عنوان علم سمانتیک^۲ بحث می‌شود. و در پژوهش‌های سمانتیک جنبه‌ی رو به خارج را در مسائل ناظر به دلالت^۳ بررسی می‌کنند و جنبه‌ی رو به درون را تحت عنوان مسائل مربوط به معنا.

یکی از مسائلی که در نتیجه بحث از دلالت پدید آمده و خود به یک نظریه‌ی پر اهمیت بدل شده است، نظریه "توصیف‌های معین"^۴ است که راسل مطرح کرده و کواین از این نظریه، در علم سمانتیک خود بسیار بهره برده است.

به طور کلی حیثیت دلالتی معنا آنجا موضوعیت می‌یابد که با نسبت میان زبان و جهان سروکار پیدا کنیم، از علاقه فیلسوفان این است که آیا زبان تصویر درستی از جهان به دست می‌دهد و یا به تعبیر دیگر، چه چیزی ضامن صدق^۵ جملات ما در باب عالم است.

مسئله‌های فلسفی زیادی را می‌توان در باب معنا صورت‌بندی کرد که بعضی از آنها عبارت اند از: ماهیت معنا چیست؟ اگر معانی تصوراتی‌اند که در ذهن افراد وجود دارند، چگونه دو فرد معنای سخنان یکدیگر را می‌فهمند؟ آیا افراد از طریق زبان، به معانی ذهنی دسترسی دارند؟ اساساً معانی چگونه شکل می‌گیرند و در زبان به کار برده می‌شوند؟ آیا معانی عینیت دارند؟ الفاظ با معانی چه رابطه‌ای دارند؟ چه اموری در حصول معنا برای یک فرد نقش دارند؟ آیا پدیده‌ای در خارج از ذهن آدمی وجود دارد که آن را معنا بدانیم؟ رابطه‌ی بین

¹ -meaning

² - semantics

³ - referring

⁴ -definite descriptions

⁵ -truth

اندیشه، معنا و زبان چیست؟ رابطه‌ی معنا با حقیقت چیست؟ رابطه‌ی معنا با معرفت چیست؟ چگونه معنای مؤلفه‌های یک جمله، معنای کل جمله را تعیین می‌کند؟ نسبت میان معنا و استعمال یا معنای الفاظ و مقاصد گوینده‌ی الفاظ چیست؟ و مسائل بی‌شمار دیگری که می‌توان به این مسائل اضافه کرد.

مسئله چگونگی دلالت واژه‌های زبان نیز یکی از مهمترین مسائل فلسفه زبان معاصر است، یکی از وظایف و توانایی‌هایی که زبان دارا است، توانایی دلالت دادن است، واژه‌هایی را که قادرند به اشیاء جهان دلالت دهند یا به آنها اشاره کنند واژه‌های دلالت دهنده می‌گویند این واژه‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند که از جمله آنها می‌توان از نام‌های خاص، اسامی اشاره، وصف‌های معین و ... نام برد، درباره‌ی بعضی از واژه‌ها هم مناقشه است که آیا دلالت دهنده هستند یا خیر که از جمله آنها می‌توان به اسامی عام⁶ اشاره کرد، نام‌هایی مانند فاضل، عادل، معرفت و... اما تقریباً همه فیلسوفان اتفاق نظر دارند که نام‌های خاص بهترین نمونه واژه‌های دلالت دهنده می‌باشند. زیرا آنها به این دلیل وضع شده‌اند که به چیزی دلالت دهند، و مصداق این نامها هرچه باشند این نامها بهترین واژه‌های دلالت دهنده هستند.

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود معیار نام خاص بودن یک واژه است آیا یک کلمه‌ای هستند یا چند کلمه‌ای و اینکه آیا یک نام خاص می‌تواند چند مصداق داشته باشد و یا اینکه اگر چند مصداق داشته باشد باید آنها را چند نام متفاوت در نظر گرفت؟

یکی از مباحث مهم که امروزه در فلسفه زبان مطرح است، مبحث ماهیت نام‌ها و اسامی است. برای فیلسوفان زبان این پرسش مهم است که اسمای خاص و نیز اسمای جنس چگونه دلالت⁷ خویش را به انجام می‌رسانند؟ در پاسخ به این پرسش محققان چندین نظریه ارائه کرده‌اند. اما این بحث هم‌چنان زنده و جالب است و می‌توان به طور جدی آن را در آثار جدیدتر نیز پی گرفت. از آن جا که این بحث در آثار جان استوارت میل ریشه دارد و او نیز به دیدگاه خاصی، با عنوان نظریه مصداقی معنا در باب دلالت اسمای خاص باور دارد، محققان

⁶-general names

⁷-denote

همواره در آغاز این بحث به نظریه میل اشاره کرده، آن را نقد می‌کنند و سپس دیدگاه خود را مطرح می‌سازند.^۸

در بحث دلالت اسماء دو جهت داریم : ۱- الفاظ بر چه دلالت می‌کنند، یعنی مصداق و موضوع له یا معنای آنها چیست؟ آیا مصداق آنها شی خارجی است، یا صور ذهنی است؟
۲- بحث دوم این است که الفاظ موضوع برای هر چیزی که باشند، بر چه چیز مصداق دلالت می‌کنند؟ برای مثال اگر موضوع برای خارج و شیء خارجی باشند، بر ماهیت خارجی شیء دلالت می‌کنند یا بر وجود خارجی شیء یا اوصاف^۹ شیء خارجی و یا ترکیبی از اینها؟ و یا اگر بر صورت ذهنی (معلوم با لذات) دلالت می‌کنند، بر ماهیت ذهنی شیء دلالت می‌کنند و یا وجود ذهنی آن یا اوصاف ذهنی شیء و یا ترکیبی از اینها؟

در فلسفه تحلیلی و فلسفه زبان این بحث مطرح است که الفاظ در دلالت‌شان بر مصداق‌های خویش به چه چیز دیگری، غیر از ذات مصداق، نیاز دارند؟ یعنی برای مثال، آیا اوصاف در این دلالت دخیل‌اند؟ یا این که الفاظ مستقیماً و بدون دخالت اوصاف بر مصداق خویش دلالت می‌کنند؟ به تعبیر دیگر آیا مصداق الفاظ اوصاف‌اند یا خود ذات (اعم از ذات خارجی یا ذهنی)؟ گروهی که قائل به اوصاف هستند، وصف‌گرا خوانده می‌شوند و گروهی که خود شیء را به عنوان مصداق باور دارند، ذات‌گرا نامیده می‌شوند.

پرداختن به هم‌هی مباحث فلسفه معاصر در باب معنا و دلالت بیش از یک پژوهش، فرصت و فعالیت تحقیقی می‌طلبد و شاید پرداختن به هر دیدگاه و فیلسوفی و بیان دقائق فکری و ظرافت‌هایی که در محتواهای آثار فیلسوفان معاصر وجود دارد به شکل منفرد در حکم یک مسأله تحقیقی شایسته‌ی پژوهش باشد. اگر به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و جریان‌های فلسفی این دوران نظر کنیم، خواهیم دید که هر کدام از این جریان‌ها به نوعی می‌خواهند به مباحث مربوط به معنا و دلالت بپردازند. و ما در این پژوهش تلاش می‌کنیم تا به اشاره‌ی مختصری درباره‌ی نظریات راسل و کواین در مورد معنا و دلالت بپردازیم.

^۸ - علی پور مهدی - « تحلیل اسمای خاص از دیدگاه » نقد و نظر

^۹ -descriptions

پیشینه پژوهش

- ۱- دکتر سایه میثمی، معنا و معرفت در فلسفه‌ی کواین، تهران، نگاه معاصر
- در این کتاب با توجه به موضوع اصلی آن که معنا و معرفت است، فلسفه زبان و معنا و ارتباط آن با معرفت‌شناسی کواین بررسی و بنا به اقتضای بحث، حوزه‌های دیگر نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین در این کتاب بر روی این موضوع تاکید شده‌است که ورود به حوزه‌ی معرفت‌شناسی کواین منوط به ورود به نظریه سمانتیک اوست.
- ۲- راسل. برتراند، فلسفه تحلیل منطقی، برگرفته از تاریخ فلسفه غرب، مترجم سعید توکلی پارسان، تهران. کتاب روشن، ۱۳۸۷ چاپ اول
- دربخشی از این کتاب به بررسی فلسفه تحلیل منطقی به خصوص فرگه و راسل پرداخته شده‌است و همچنین اشاره مختصری هم به تئوری توصیحات راسل شده‌است.
- ۳- برتراند. راسل، تمیسم منطقی، مترجم جلال پی کانی، نشر علم، چاپ اول، ۱۳۸۸
- این کتاب که شامل هشت درس گفتار است در درس گفتار ششم راسل درباره نام و توصیفات و نحوه‌ی معنا و دلالت آنها بحث کرده‌است و به تحلیل چنین قضایایی پرداخته‌است.
- ۴- دانالد. گیلیس، فلسفه علم در قرن بیستم، مترجم حسن میاننداری، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۷
- در این کتاب چهار موضوع اصلی محور اصلی بحث قرار گرفته‌است. (۱) استقرا (۲) قراردادگرایی و مزدوئم - کواین (۳) ماهیت مشاهده (۴) تحدید علم و مابعد الطبیعه
- ۵- لاینز، جان، مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان شناختی، مترجم حسین واله، تهران، گام نو، ۱۳۸۳
- این کتاب که شامل چهاربخش می‌باشد، جان لاینز به تبیین موضوع معنا، معنای لغتنامه‌ای، معنای جمله و معنای اظهار پرداخته‌است و در ضمن این بخشها نظریه‌های مختلف درباره معنا، معناداری^{۱۰} جمله، شرایط صدق، جهان‌های ممکن و دلالت را مورد بحث و بررسی قرار داده‌است، و به عبارتی این کتاب به بررسی معناشناسی به مشابه بخشی از زبان‌شناسی می‌پردازد.

¹⁰ - significance

۶- خرماشاهی. بهاء‌الدین، پوزیتیویسم منطقی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸

در این کتاب معیار و ملاک معنا داشتن جمله یا گزاره^{۱۱} از نظر پوزیتیویستهای منطقی مورد بررسی قرار گرفته است.

۷- چپمن. شیوان، از فلسفه به زیباشناسی، مترجم حسین صافی، تهران، گام نو، ۱۳۸۴
در این کتاب به بررسی اینکه فلاسفه می‌خواهند بدانند چیزی به معنای چیزی دیگر است، و به خصوص اینکه بخشی از نظام زبان به معنای چیزی در خارج از این نظام است، به چه معناست. رابطه بین پدیده‌های زبانی و غیرزبانی مورد بررسی قرار گرفته است.

۸- ویلیام پ. آلستون، فلسفه زبان، مترجم نادر جهانگیری، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۰

در این کتاب انواع نظریه‌های معنایی از جمله مصداقی، انگاره‌ای و رفتاری مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه‌های مختلف در تکذیب یا تایید آنها بیان شده است.

۹- اورام. استرول، فلسفه تحلیلی در قرن بیستم، فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم، ۱۳۸۳

در فصل هفتم این کتاب که به کواین اختصاص دارد درباره زندگی‌نامه کواین، دو جزم تجربه‌گرایی از نظر کواین، رفتارگرایی کواین و نقد کواین بحث شده است. و در فصل هشتم به بررسی نظریه‌های دلالت مستقیم می‌پردازد.

۱۰- لاریجانی. صادق، فلسفه‌ی تحلیلی، قم، نشر مرصاد، چاپ اول ۱۳۷۵

این کتاب دارای چهاربخش است که در بخش اول دلالت در اسما خاص و در بخش دوم اسما خاص، عوالم ممکنه و ضرورت و در بخش سوم اسما جنس و در نهایت در بخش چهارم کاربردهایی از بحث دلالت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱۱- «دیدگاه‌ها در باب کواین» دکتر علیرضا هدائی، فصلنامه ذهن، سال اول، ش ۲ و ۴، تابستان و زمستان ۱۳۷۹

¹¹ - proposition

از نهم تا سیزدهم آوریل ۱۹۸۸ کنفرانس بین المللی « دیدگاه‌ها در باب کواین » با حمایت مالی بنیاد جیمز س. مک دائل، دانشکده هنرها و علوم و گروه فلسفه دانشگاه واشنگتن در محل این دانشگاه برگزار شد. آنچه در این مقاله ذکر شده گزارش تلخیص شده‌ی برخی دیدگاه‌های مهم همراه با اظهار نظر کامل کواین در باره‌ی آنهاست.

۱۲- «کواین و اشکالات او به منطق موجهات» مرتضی گوهری پو، معرفت فلسفی سال پنجم، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۶

در بین منطق‌دانان کلاسیک و جدید، غیر از کواین، هیچ فیلسوف یا منطق‌دانی با بحث « موجهات » یا «نظام منطق موجهات» ، به طور جدی مخالفت نکرده‌است. در منطق موجهات، از احکام ضروری و ممکن بحث می‌شود؛ احکامی که به نوعی در آنها دو مفهوم « ضرورت » و « امکان » به کار رفته‌است.

کواین زمینه‌هایی را که دارای شکل « ضرورتاً...» و « به طور ممکن...» هستند. «زمینه‌های موجه» می‌نامد^{۱۲} و آنها را از نظر دلالتی، مبهم می‌داند. در عین حال، زمینه‌های دیگری مانند «می‌داند که...»، «می‌گوید که...» و «شک دارد که...» را هرچند از نظر دلالتی مبهم دانسته، ولی موجه نمی‌نامد. در این تحقیق، منظور از «زمینه‌های موجه» و «منطق موجهات» زمینه‌ی منطقی است که در آن، مفاهیم موجه، «ضروری» و «ممکن» به کار رفته‌است.

۱۳- «اسمای خاص» جان سرل، مترجم محمدعلی عبداللهی، نقد و نظر، سال دهم، شماره ۳ و ۴ سرل در این مقاله به بررسی دیدگاه فرگه و راسل درباره اسمای خاص پرداخته و آنها را مورد نقد قرار می‌دهد.

۱۴- «توصیفها» برتراند راسل، مترجم سید محمدعلی حجتی، فصلنامه فلسفی، ادبی و فرهنگی ارغنون، شماره ۸۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۴

این مقاله، ترجمه‌ی فصل شانزدهم از کتاب برتراند راسل با عنوان در آمدی به فلسفه ریاضی است.

12 - names

۱۵- «نظریه سمانتیک کواین و واقع‌گرایی در چارچوب علم تجربی» سایه میثمی، دانشگاه تهران ۱۳۸۴

در این رساله نظریه سمانتیک کواین در حوزه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. و نظریه سمانتیک کواین در دو بخش معنا و دلالت بررسی شده است.

۱۶- «درباره اندیشه‌های فلسفی کواین، زبان و عینیت» ضیاء موحد، خبرگزاری کار ایران دکتر ضیاء موحد در این سخنرانی اندیشه‌های فلسفی کواین، فیلسوف تحلیلی معاصر را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

۱۷- «زمینه‌گرایی معرفتی و سمانتیک جملات معرفتی» دکتر احمد رضاهمتی مقدم، نامه حکمت، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۸

زمینه‌گرایی معرفتی دیدگاهی جدید در معرفت‌شناسی است که انگیزه ظهور آن، تلاش برای حل مسأله شک‌گرایی بوده است. این دیدگاه، اگرچه در حوزه معرفت‌شناسی ظهور کرده و ادعای حل یکی از قدیمی‌ترین مسائل آن را دارد، در واقع آموزه‌ای سمانتیکی است. زمینه‌گرایی معرفتی دیدگاهی درباره شروط صدق جملات معرفتی است. زمینه‌گرا قصد دارد با استفاده از معنا و سمانتیک جملات معرفتی، مسائل معرفت‌شناسی را حل کند. در این مقاله یکی از مبانی سمانتیکی زمینه‌گرایی - یعنی استاندارد معرفتی به عنوان مولفه‌ی بیان نشده - بررسی شده است و نشان داده شده است که ادعای سمانتیکی آنها، در بهترین حالت محل مناقشه خواهد بود.

۱۸- «کواین و گزاره‌های تحلیلی» محمد صادق زاهدی، پژوهش نامه متین، شماره ۱۴ بررسی ملاک تمایز گزاره‌های تحلیلی و ترکیبی از یکدیگر از مباحث مهم معرفت‌شناختی معاصر است. در این مقاله دیدگاه «کواین» در باره گزاره‌های تحلیلی و ترکیبی مورد بررسی قرار گرفته است. کواین با نقد مفاهیمی همچون ترادف و قواعد معنا شناختی معتقد است هیچ معیاری برای تقسیم گزاره‌ها به تحلیلی و ترکیبی در دست نیست و در نهایت نتیجه می‌گیرد هیچ گزاره‌ای نیست که صدق آن مطلقاً به زبان وابسته باشد.

۱۹- «توصیفات معین» رضا اکبری، نقد و نظر، سال دهم، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۳

در هر زبانی توصیفاتی وجود دارد که فرد یا شیء معینی را متبادر می‌کند. چنین توصیفاتی که مختص فرد یا شیء معینی هستند «توصیفات معین» نامیده می‌شوند. در این مقاله به بررسی چنین توصیفاتی پرداخته شده است.

۲۰- «نظریات شیء انگارانه معنا در فلسفه تحلیلی و علم اصول» محمود مروارید، نقد و نظر، سال دهم، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۳

نوشتار حاضر از دو بخش تشکیل شده است: در بخش اول نظریه‌های شیء انگارانه معنا در سنت فلسفه تحلیلی به اختصار معرفی می‌شوند. بخش دوم به طرح و بررسی نظریه معنا در علم و اصول فقه می‌پردازند. البته، مبحثی تحت عنوان «نظریه معنا» در سنت اصول موجود نیست. ولی مسأله‌ی دیگری در بعضی منابع یافت می‌شود که بسیار مشابه با مبحث نظریه معنا در سنت فلسفه تحلیلی است. مسأله مزبور این مسأله است که موضوع له الفاظ چه سنخ هویتی است. و در ادامه این نظریات و دلایل تأیید و تکذیب آنها به تفصیل مطرح می‌شوند، و علاوه بر آن در موارد مختلف بین آرای اصولیان و نظریه‌های معنا در سنت فلسفه تحلیلی مقایسه و تطبیق صورت می‌گیرد.

۲۱- «بررسی لفظ خاص و عام از دیدگاه معنی‌شناسی منطقی» کوروش صفوی، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه الزهراء، سال ۱۶، شماره ۵۴، تابستان ۱۳۸۴

مقاله‌ی حاضر با هدف بررسی و نقد آرای فیلسوفان زبان و معنی‌شناسان منطقی درباره الفاظ خاص و عام نگاشته شده است. برای دستیابی به این مهم، ابتدا به معرفی لفظ خاص و مسأله‌ی تحلیل چنین لفظی در معنی‌شناسی منطقی پرداخته شده و سپس از همان روش برای معرفی و بررسی لفظ عام بهره گرفته شده است تا از این طریق صحت و سقم آرای فیلسوفان زبان و معنی‌شناسان منطقی از منظر معنی‌شناسی زبانی معلوم گردد.

۲۲- «دلالت بدون مصداق در اسامی خاص» محسن زمانی، نامه حکمت، سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸

دو روی کرد میلی و توصیفی در معناشناسی نام‌های خاص وجود دارد. سینز بوری کوشیده است تا با معرفی نظریه دلالت بدون مصداق، نظریه‌ای بینابین دو نظریه فوق ارائه دهد. در این مقاله، نظریه مختار سینز بوری مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

۲۳- «تحلیل اسمای خاص از دیدگاه جان استوارت میل و میرزا مهدی اصفهانی» مهدی علی پور، نقد و نظر، سال دهم، شماره ۳ و ۴

این مقاله به بازخوانی، گزارش و تحلیل نظریه میل درباره ماهیت نام‌ها و اسامی و نحوه دلالت آنها و دیدگاه میرزا مهدی اصفهانی در رابطه پرداخته شده است.

۲۴- «ابعاد مسأله معنا از دیدگاه فلسفی» مرتضی گوهری پور، نامه پژوهش فرهنگی، سال نهم، شماره ۳

مسأله معنا از مسائل غامض زبان‌شناسی و فلسفی است. در این نوشتار که یک سبک و سیاقی فلسفی دارد، سعی شده تا به برخی از پیچیدگی‌های مسأله معنا اشاره شود.

۲۵- «نظریه‌های مربوط به معنا از «ارجاع» تا «استعمال»» ا. هنفلینگ، ترجمه: دکتر همایون‌همتی، ذهن، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹

این مقاله به طرح نقد و بررسی دیدگاه‌های مختلف فیلسوفان و صاحب‌نظران برجسته‌ای همچون فرگه، راسل، ویتگنشتاین، شلیک، وایزمن، آیر و ... در باب نظریه معنا پرداخته و البته اهتمام بیشتر مقاله بر روی آرای ویتگنشتاین است.

۲۶- «دلالت‌شناسی نمایه‌ای» دکتر سید محمد علی حجتی، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۸۴

امروزه یکی از مباحث بسیار مهم در فلسفه‌ی منطق و نیز فلسفه‌ی زبان مبحث "معناداری" یا "دلالت‌شناسی" می‌باشد. در این مبحث، از معناداری یا دلالت‌شناسی انواع کلمات و عبارات بحث می‌شود و رابطه‌ی الفاظ با آن چه که ما بازای الفاظ است مورد بررسی قرار می‌گیرد. دست‌آوردهای این بحث‌ها نتایج بسیار مهمی در منطق، متافیزیک و نیز معرفت‌شناسی دارد.

۲۷- «معیار معناداری، بررسی و نقد دیدگاه‌های گوناگون» جواد طاهری، معرفت، شماره ۱۳۳ «این مقاله، با رویکرد نظری و مطالعه اسنادی، و با هدف تبیین معیار معناداری جملات، گزاره‌ها و مفردات و نیز تبیین این مهم و شاخص معناداری نوشته شده است.

۲۸- «نظریه دلالت مستقیم و کلمات مفرد تهی» دکتر سید محمد علی حجتی، نامه فلسفی، شماره ۴، ۱۳۸۴

نظریه دلالت مستقیم، در برابر نظریه فرگه و راسل، مدعی آن است که محتوای معنایی (سمانتیکی) یک اسم خاص متضمن هیچ وصفی به عنوان معنای آن اسم نیست و آن اسم بدون واسطه معنا، یعنی مستقیماً بر مصداق خود دلالت دارد. اسامی خاص تهی در این نظریه مشکلاتی را پیش می‌آورند که در این مقاله مهمترین پاسخهایی که به مسائل فوق داده شده است مورد بررسی و نقد قرار گرفته است و بیان شده است که بعضی از آنها اگر چه ارزشمند هستند اما کامل نیستند.

پرسش های اساسی تحقیق

- ۱- چیستی معنا و دلالت؟
- ۲- رابطه معنا و دلالت چیست؟
- ۳- آیا همه عبارتهای معنادار بر چیزی دلالت دارند؟
- ۴- چه نسبتی میان معنا و صدق وجود دارد؟

ضرورت پژوهش

نظریه های معنا و دلالت که در قرن بیستم تکامل یافتند به قصد حل رشته ای از معضلات سنتی بودند که برخی از آنها سابقه شان به فلسفه یونان باستان می رسد. معضلاتی مانند: منزلت استدلال هستی شناختی، معضل افلاطون در رساله سوفسطایی درباره ی این که چگونه می توان درباره ی ناموجود سخن معنادار گفت، معمای بی خدایان درباره ی این که چگونه می توان وجود خدا را بدون پیش فرض وجود او رد کرد و پرس و جوی راسل درباره ی این که چگونه ممکن است جمله های صادق اینهمانی از حیث دلالت شناختی متفاوت باشند.

می توان گفت مسأله معنا در کانون تاملات فلسفی درباره زبان قرار دارد، یکی از مباحثی که امروزه در فلسفه زبان مطرح است، مبحث ماهیت نامها و اسامی است و برای فیلسوفان زبان این پرسش مهم است که اسمهای خاص و نیز اسمهای جنس چگونه دلالت خویش را به انجام می رسانند. جایگاه و اهمیت معنا و دلالت در فلسفه ی امروز بر کسی پوشیده نیست و معرفت شناسی مخصوصاً در نزد کوااین به این موضوع گره خورده است.

مسائل اصلی فلسفه و همچنین مسائل عمده در نظریه شناخت به فضای بین زبان و جهان مربوط می شود و یکی از مباحث زبان معنا و دلالت است که در این زمینه اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد.

بنابراین تا بحثهای معنا و دلالت فیصله نیافته باشد ما نمی‌توانیم وارد نظریه پردازیهای فلسفی شویم و در نتیجه این بحث هم برای کسانی که در مباحث جدید کار می‌کنند و هم در علم اصول دارای اهمیت است و تا مسائل و مشکلات مربوط به این حوزه حل نشود نمی‌توان در هیچ حوزه‌ای از فلسفه مطمئن گام برداشت.

بحث درباره معنا و دلالت در منطق و ریاضیات و همچنین برای معرفت‌شناختی و وجودشناختی هم دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است و در صورت تبیین صحیح و دقیق این موضوع می‌توان خیلی از مشکلات این حوزه‌ها را به خصوص حوزه معرفت‌حل کرد و به بسیاری از پرسشهای مطرح شده در این حوزه‌ها پاسخ داد. اهمیت این موضوع آنجا آشکار می‌شود که با نسبت میان زبان و جهان سرو کار پیدا کنیم که آیا زبان تصویر درستی از جهان به دست می‌دهد و یا به عبارتی چه چیزی ضامن صدق جملات ما در باب عالم است. همچنین با توجه به این که بعضی از فیلسوفان معاصر مشکلات فلسفی را ناشی از ابهام در معنا و دلالت می‌دانند، می‌توان به کاربرد این بحث در برطرف کردن این مسائل پی برد.

مسئله چگونگی دلالت واژه‌های زبان، همواره یکی از مسائل اصلی فلسفه تحلیلی و فلسفه زبان به شمار آمده‌است. واضح است یکی از وظایف یا توانایی‌های که زبان داراست و از طریق آن، ارتباط کاربران زبان با یکدیگر و نیز جهان خارج ممکن می‌شود توانایی دلالت‌دادن در زبان است، دلالت‌دهنده بودن یا نبودن واژه‌ها از موضوعات مورد مناقشه است و نظر واحدی درباره آنها وجود ندارد.

کاوش در این موضوع، محققان را با مسائل عدیده‌ای روبرو ساخته که حل آنها خود محتاج تنقیح مباحث دیگری در فلسفه و خصوصاً فلسفه زبان است.

به عنوان مثال بحث قضایای اتحادیه (identity proposition)، ضرورت و امکان (theory of contingency & necessity)، تئوری توصیف‌های راسل (descriptions)، عوالم ممکنه (worlds possible)، کیفیت دلالت و حکایت (referring) و امثال آن، مسائلی هستند که به نحوی با بحث معنا و دلالت مربوط می‌شوند. این بحث در کلام هم کاربرد دارد از جمله اینکه لفظ خدا در فارسی، الله در عربی و GOD در انگلیسی و هکذا اسم خاص هستند و یا امر دیگری مانند اسم جنس و یا وصف و همچنین اگر لفظ جلاله اسم خاص باشد، کیفیت دلالت آن بر مصداق و مسمای خویش

چگونه است؟ از کاربردهای دیگر این بحث در صور نوعیه است و در این بین قضایای که در آنها اتحادهای تئوریکی بیان می‌شود بیشتر مورد توجه است مانند این قضیه «آب H₂O است» و اینکه آیا اوصاف اجناس را داخل در معنای آنها بدانیم یا خیر؟ بحث دیگری که این مطلب می‌تواند به آن کمک کند بحث عوالم ممکنه است و تمایزی که بین اسم خاص و اوصاف در کیفیت دلالت در عوالم ممکنه وجود دارد که کواین از یک طرف و دیگران از سوی دیگر جانب سلب و ایجاب را گرفته اند. بنابراین این بحث کاربردهای فراوانی هم در گذشته داشته و هم در آینده خواهد داشت. و این کاربردها ضرورت توجه به این موضوع را آشکار می‌کند.

روش انجام تحقیق

کتابخانه ای اعم از چاپی و الکترونیکی

ساختار پژوهش

در این پژوهش که با مقدمه شروع می‌شود در آن ابتدا به تبیین مسأله‌ی معنا و دلالت پرداخته شده است و سپس تلاش شده است گزارشی از همه سوابق مربوط به موضوع که در گذشته وجود داشته داده شود. همچنین در مقدمه پرسشهای اساسی پژوهش بیان شده است و در نهایت اشاره مختصری به ضرورت و روش و محدودیتهای این پژوهش شده است. در فصل اول که به عنوان کلیات می‌باشد واژه‌های مربوط به موضوع و سیر تاریخی موضوع و بحثی مختصر از معنا و دلالت و اسامی خاص شده است نظریه‌های مختلفی که در گذشته درباره این موضوع بیان شده است، مورد توجه قرار گرفته است. در فصل دوم به بیان دیدگاههای راسل درباره معنا و دلالت یعنی نظریه توصیفات او و نظر او درباره نام‌های خاص پرداخته شده است. در فصل سوم سعی شده است دیدگاه کواین و نظریه‌های که او در این زمینه داده است، بیان شود و ضمن معرفی کواین برخی تزه‌های او مورد توجه قرار گیرد.

محدودیت های پژوهش

مهمترین محدودیت اینجانب در این پژوهش در اختار نبودن و به عبارتی عدم وجود منابع به خصوص منابع فارسی بود.